گفت‌وگوی «جام جم» با خسرو خسروشاهی، صدای ماندگار سینمای ایران

خلع سلاح دوبله ایران به دست دوره‌گردها

علی رستگار
گروه فرهنگ و هنر

صدایش همزمان هر دو وجه ظاهر معصومانه، باطن شریرانه و شمایل جذاب و ضدقهرمانانه آلن دلون را پوشش می‌داد، همان‌طور که می‌توانست انتخاب مناسبی برای سیر تحول شخصیتی مایکل کورلئونه در سه‌گانه «پدرخوانده» باشد و او را از پسر آخر و دوست‌داشتنی دون ویتو، به هیولایی تبدیل کند. چنین ویژگی تنیدگی انسانیت، جوانی و عصیان و سویه‌های شر آدمی، به‌خوبی با اغراق‌های مرسوم و احساسات مفرط سینمای هند و بازیگری چون آمیتاب باچان هم جفت‌وجور و هماهنگ می‌شد که یکی از خروجی‌هایش، دیالوگ مشهور و ماندگاری چون «اون کثافت مادر منو کشته» بود ویجی در «قانون» است. صدای او همچنین بسته به هنر بازیگری بازیگران، متفاوت می‌شد و به هیچ‌وجه آوایی تیپیکال نبود، همان‌قدر که می‌توانست حیرانی و استیصال بیب (داستین هافمن) در «دونده ماراتن» را درخشان نشان دهد و جلوی هیولای نازی (زل با بازی لارنس اولیویه و صدای پرابهت ایرج ناظریان) بگوید: «آره امنه! خیلی امنه. این‌قدر امنه که باورت نمیشه، آره!»، این هنر را داشت که صدایش را با یکی دیگر از نقش‌های متفاوت هافمن، مثل ریموند در «مرد بارانی» هم تطبیق دهد و ناتوانی، استرس و قابلیت حیرت‌انگیز حافظه یک بیمار مبتلا به ساوانت اوتیسمی را به تاثیرگذارترین شکل ممکن به مخاطب منتقل کند. به کار بردن این افعال ماضی، صرفا به دلیل اشاره به کارنامه و گذشته باشکوه خسرو خسروشاهی، دوبلور و مدیر دوبلاژ برجسته و بی‌تکرار سینما و تلویزیون ایران است وگرنه خوشبختانه درباره او همچنان باید افعال مضارع به کار ببریم. حتی اگر استاد مدتی قبل از دوبله خداحافظی کرده باشد، ما دل به موارد استثنایی و امیدبخشی چون گویندگی شنیدنی او به جای واکین فینیکس در «ناپلئون» می‌بندیم و همچنان و تا همیشه مشتاق شنیدن صدای ماندگارش هستیم.

؟ خبر خیلی خوشی است که این روزها همراه خانم کتایون اعظمی، کارگاه آموزشی دوبلاژ برگزار می‌کنید و در استودیو بانی‌واک، به آموزش علاقه‌مندان جوان این حرفه مشغول هستید. این خوش خبری چقدر می‌تواند تا حدودی از آن حسرت پایان دوران طلایی دوبله ایران و سال‌های دور و کم، مخاطبان را به بقای این هنر امیدوار کند؟

راستش امید چندانی ندارم، چون کسانی که در این دوره‌ها شرکت می‌کنند، بعد ادنبال کار خودشان می‌روند و متاسفانه ما دیگر از آنها با خبر نیستیم که چه مسیری را طی می‌کنند. ما فقط آنها را آماده ورود به این حرفه می‌کنیم. این‌که راه درست را انتخاب کنند و وقتی انجمن دوبلاژ ایران فراخوان می‌دهد، برای نام‌نویسی به آنجا بروند و کارشان را از آنجا شروع کنند. بیشتر هنرجویانی که در کارگاه آموزشی دوبلاژ ما شرکت می‌کنند به درجاتی می‌رسند که می‌توانند در امتحان انجمن، نمره قبولی به دست آورند. چند سالی که در رشت بودم، هنرجویان مستعدی در کلاس‌ها شرکت می‌کردند اما دیگر از آنها خبر ندارم. ما در همه کلاس‌های آموزشی، آنچه که باید به هنرجویان یاد بدهیم، با نهایت صداقت به آنها منتقل می‌کنیم اما از آنجا که ضمانت اجرایی برای راهیابی آنها به عرصه حرفه‌ای وجود ندارد، نسبت به سرنوشت و ادامه مسیر این هنرجویان بی‌اطلاع هستم. مگر این‌که خودشان کار و استعداد و آموزش‌های شان را جدی بگیرند یا از طریق انجمن یا از طریق پلتفرم‌ها قدم به این حرفه بگذارند. به عبارتی سرنوشت این افراد دست خودشان است.

؟ امیدوارم به‌عنوان بزرگ دوبله ایران، همچنان سلامت باشید و در دوبله حضور داشته باشید اما بیشتر نسل طلایی دوبله ایران از دنیا رفته‌اند، در سال‌های دور چهره‌هایی چون ایرج ناظریان و ژاله کاظمی و در سال‌های اخیر هم بزرگانی چون منوچهر اسماعیلی، چنگیز جلیلوند، جلال مقامی و ناصر طهماسب. با احترام به دوبلورهای خوبی که مشغول فعالیت هستند و دست‌مریزاد به جوانانی که چراغ این هنر را روشن نگه داشته‌اند اما دیگر صدای درخشانی همچون نسل شما نمی‌شنویم و انگار دیگر صدای خیلی ویژه و ماندگار در دوبله نداریم. دلیلش چیست؟

چه بگویم؟ اگر هم صدای خوبی در دوبله وجود داشته باشد با این بلبشو و آشوبی که در این کار است، به جایی نمی‌رسد. چون فضا و کار آنچنان خوبی برای ما وجود ندارد.

؟ یعنی فیلم خوب نیست؟

نه، فیلم خوب و درجه یک که هست.

؟ پس چرا سهم بزرگان و صداهای خوبی چون شما و همکاران کاربلد دیگر نمی‌شود؟

نمی‌دانم. این سؤال را باید از برخی پلتفرم‌ها و سایت‌های پخش فیلم بپرسید که جهل و بی‌سوادی را ترویج می‌کنند. الان فیلم را به مدیر دوبلاژ می‌دهند و او هم براساس زیرنویس فارسی موجود، فیلم را دوبله می‌کند. کسی هم نمی‌پرسد که آیا آن زیرنویس موجود مطلوب بود و حق مطلب را درباره فیلم ادا می‌کرد یا نه. در این وضعیت اصلا بحث کیفیت دوبله مطرح نیست و فیلم با انواع و اقسام ایرادات در دوبله به نمایش درمی‌آید. مثل این‌که زعمای قوم این روش را بهتر می‌پسندند و بیشتر به مذاق‌شان خوش می‌آید و میلی به کار درست و شایان در دوبله ندارند. حتی خط قرمزها را هم رعایت نمی‌کنند.

؟ ظاهر افحاشی و انتقال معادل بی‌پروای دیالوگ‌های فیلم، جزو امتیازات و ارزش‌های دوبله‌های زیرزمینی اخیر است.

دقیقا اما متاسفانه اینها در ید قدرت ما نیست که بتوانیم جلوی آن را بگیریم. حتما این عده پشتوانه‌ای دارند که دست به این کارها می‌زنند. درحالی‌که نسل ما این کار را نمی‌کرد یا اگر هم می‌کردیم مورد سرزنش قرار می‌گرفتیم یا با سانسور مواجه می‌شدیم. اگر در فیلمی کلمه «پدرسگ» گفته می‌شد، آن فیلم تا مرز توقیف می‌رفت اما الان حتی روابط نامشروع مثل این سریال‌های ترکی، خیلی راحت در دوبله‌ها رواج دارد. مثل این‌که کسانی که این فیلم‌ها را با این روش دوبله می‌کنند با خط قرمزها آشنایی ندارند یا خانواده و اخلاقیات برای‌شان مهم نیست. ظاهرا هم کسی این فیلم‌ها را بازبینی نمی‌کند، چون فیلم را ساعت ۹ شب با این وضعیت دوبله می‌کنند و ساعت ۲۳ در یکی از این سایت‌ها و کانال‌های پخش فیلم به نمایش می‌گذارند.

؟ انگار چند گروه در یک رقابت هستند و هرکس می‌خواهد سریع‌تر فیلم و سریالی را دوبله کند و به اشتراک بگذارد، بدون این‌که کیفیت برایش مهم باشد.

همین‌طور است. حتی گاهی فیلمی در جایی با ۲۵ گوینده دوبله می‌شود و در یک رسانه دیگر با هشت گوینده. کسی هم از چرایی و چگونگی این تفاوت و این رقابت بی‌نتیجه در دوبله نمی‌پرسد. بنابراین همه چیز را اول به خدا سپرده‌ایم و بعد به خود این آقایان که به همین مسیرشان ادامه دهند و ما هم تماشاگریم و نگاه می‌کنیم. چیزی هم از دوبله باقی نمانده است و با رفتن دو سه نفر دیگر، دوبله کاملا خلع سلاح می‌شود و به‌طور کامل در اختیار همین دوره‌گردهایی که فیلم را دوبله می‌کنند، قرار می‌گیرد تا با خیال راحت کارشان را انجام دهند.

؟ آیا در حرفه باسابقه و پرطرفداری چون دوبله، نباید مدیران از دوبلورهای باتجربه و کاربلد دعوت، اوضاع را آسیب‌شناسی کنند و از حضور و نظرات امثال شما برای بهبود اوضاع بهره بگیرند؟

یک مثل قدیمی است که می‌گوید تا وقتی بچه گریه نکند به او شیر نمی‌دهند. همان‌طور که در این سال‌های اخیر سبک زندگی و سلیقه‌ها عوض شده، دوبله هم شکل و شمایلی دیگر پیدا کرده است. یک موقعی اگر صدای ثابت یک هنرپیشه در دوبله تغییر می‌کرد، قیامت می‌شد اما الان بزرگ‌ترین هنرپیشه‌ها را یک آدم الکن و کسی که سین و شینش می‌زند و صدای خوبی ندارد، دوبله می‌کند. همین کار هم در پلتفرم‌ها پخش می‌شود و پول درمی‌آورند. وقتی درآمدزایی اتفاق می‌افتد و برای کسی هم فرقی نمی‌کند، چرا بخواهند دنبال دردسر باشند و فیلم را به دست مترجم درجه یک و مدیر دوبلاژی بدهند که به‌زعم خودشان کار را معطل می‌کند. من فیلم «مرد ایرلندی» را در شش روز دوبله کردم اما دو سه جای دیگری که کار را دوبله کرده‌اند، نهایتا یک روز و نیم برای دوبله آن وقت صرف کردند. این معما را باید حل کنند، این‌که ما بلد نبودیم شش روز وقت برای دوبله این فیلم گذاشتیم یا آنها از مریخ آمدند با دور تند دوبله می‌کنند. برای این‌که اصلا الان دیگر مد نیست که فیلم‌ها را ببینند. با خودکار آبی یا قرمز دور همان ترجمه زیرنویس فارسی را خط می‌کشند و بدون این‌که فیلم را ببینند، شروع به دوبله می‌کنند. این حرف را از خودم نمی‌زنم، می‌توانید بروید یک آمار بگیرید و گویندگانی که جرأت دارند این حقیقت را به شما بگویند (که فکر هم می‌کنم جرات ندارند) چون می‌ترسند دیگر به آنها کار ندهند. چطور می‌شود یک فیلم با بیش از ۲۰۰ دقیقه را در یک روز دوبله کرد؟ یکی از مهم‌ترین دلایلی که واکین فینیکس برای بازی در «جوکر» اسکار می‌برد، خنده‌های عصبی کاراکتر است. بنابراین باید در نسخه دوبله هم به این ویژگی مهم بازی توجه شود اما اینجا در یکی از نسخه‌های دوبله، خنده‌ها را از خود فیلم و از صدای اصلی بازیگر می‌گیرند و گوینده فقط دیالوگ‌ها را می‌گوید. این چه دوبله‌ای است؟ چه کسانی پول می‌دهند و این مزخرف را نگاه می‌کنند؟ یک موقعی بود که پاشنه در خانه گوینده را از جا درمی‌آوردند و اصرار داشتند او حتما به جای فلان هنرپیشه حرف بزند. همین سال گذشته در آلمان وقتی دوبلور فیلم «علاءالدین» را تغییر دادند، مردم فیلم را بایکوت کردند. طوری که فیلم را از اکران برداشتند و دوباره دوبله کردند. استودیوی والت دیزنی به عنوان تولیدکننده و پخش‌کننده فیلم هم از مردم عذرخواهی کرد. علت تغییر گوینده سر پول بود و آنجا هم مشکل ما را داشتند. اما اینجا دیگر خبری از این توجه و دل‌نگرانی نسبت به دوبله نیست و حتی رُل‌ها و هنرپیشه‌هایی که قبلا گفته شده و با صدای یک گوینده خاص در ایران شناخته شده و مهر این صدا روی هنرپیشه خورده را هم عوض می‌کنند. قصد توهین ندارم اما آیا برخی از مردم و تماشاگران قرص فراموشی خورده‌اند یا دیگر برای‌شان فرقی نمی‌کند چه گوینده‌ای به جای چه هنرپیشه‌ای حرف بزند؟ ظاهرا آنها دیگر شناختی از گوینده‌ها ندارند و نمی‌دانند چه کسی به جای فلان هنرپیشه حرف می‌زند.

> **قصد توهین ندارم اما آیا برخی از مردم و تماشاگران قرص فراموشی خورده‌اند یا دیگر برای‌شان فرقی نمی‌کند چه گوینده‌ای به جای چه هنرپیشه‌ای حرف بزند؟ ظاهرا آنها دیگر شناختی از گوینده‌ها ندارند و نمی‌دانند چه کسی به جای فلان هنرپیشه حرف می‌زند**

؟ این بحث عدم شناخت خیلی مهم و در این سال‌ها مطرح است و به جز عده قلیل اهل سینما که از دوبله و بزرگان آن هم شناخت دارند؛ اکثر اشناختی از سینما، چهره‌ها و طبیعتا دوبلورها ندارند و تفاوت بین صدا و دوبله خوب و بد را تشخیص نمی‌دهند. برای اینها هم صرفا سرعت در دانلود فیلم و سریال دوبله شده مهم است و کاری به کیفیت دوبله ندارند.

به‌نظرم توهین‌آمیز است. وقتی مردم پول کنسرت می‌دهند و خواننده با پِلی‌بک روی سن می‌آید و مردم متوجه نمی‌شوند، ما هم دیگر هیچ توقعی نداریم که تشخیص دهند این صدای قدیمی فلان هنرپیشه است یا نه. چون درک‌شان تا همین حد است. فقط گاهی است که مردم متوجه صدای پلی‌بک خواننده می‌شوند و حتی او را از بین پایین می‌کشند.

؟ ترکیب کم‌فروشی از سوی خواننده یا گوینده با عدم شناخت از سوی مخاطبان، موجب چنین اتفاقاتی است.

بله، همان کسی که با چنین وضعی مخاطب کنسرت است، بیننده فیلم‌هایی با کیفیت‌های نازل دوبله هم است. پس وقتی برای این بیننده فرقی نمی‌کند، پلتفرم هم کار خودش را می‌کند و می‌خواهد فیلم را زودتر از بقیه رقبا دوبله کند و بیشتر پول دربیاورد. حتی برخی از این پلتفرم‌ها برای تلویزیون‌های خارج از کشور فیلم دوبله می‌کنند؛ درحالی‌که جرات ندارند فیلم هندی دوبله کنند، چون سفارت هند اینجا از آنها بازخواست می‌کند. اگر هم گروه‌هایی اینجا فیلم‌های هندی را دوبله می‌کنند، آن را به تلویزیون‌های ماهواره‌ای خارج از کشور می‌دهند. البته صداهایی عجیب و غریب به جای هنرپیشه‌های معروف هندی حرف می‌زنند و معمولا دیگر صدای شناخته شده‌ای روی بازیگران مشهور هندی نمی‌شنوید. دوبله فیلم هندی خیلی از فیلم آمریکایی سخت‌تر است. بعضی‌ها دوبله فیلم هندی را دست‌کم می‌گیرند. هنرپیشه‌های هندی با دست، پا و بدن صحبت و نقش را بازی می‌کنند، بنابراین باید این نکته را در دوبله و انتقال حس به مخاطب هم لحاظ کرد. اگر فیلم‌های هندی در ایران موفق بود به این دلیل است که دست مدیر دوبلاژهایی افتاد که برای آن دیالوگ‌نویسی کردند و به دیالوگی که فلان هنرپیشه می‌گفت، بسنده نکردند. دیالوگ‌ها به خوبی زیباسازی شدند تا فیلم‌ها با استقبال مخاطب ایرانی همراه شود و هنرپیشه‌های هندی در قلب مردم جا بگیرند. بعضی از آن هنرپیشه‌ها هنوز هم هستند اما صداهای نخراشیده‌ای جای آنها حرف می‌زنند. انگار دیگر برای مردم هم مهم نیست که چه گوینده‌ای جای چه هنرپیشه‌ای حرف بزند. برخی پیش خودشان حساب کتاب می‌کنند که اصلا چرا چنین چیزی برای‌مان مهم باشد و چراگله کنیم؛ مهم این است که مثلا ۱۰۰ هزار تومان پول می‌دهیم و یک ماه فیلم می‌بینیم.

؟ در سال‌های گذشته و در مقاطع مختلف، صحبت‌هایی از شما شنیدم یا خواندم که گلایه‌هایی درباره وضعیت دوبله داشتید که به نظر می‌آید برخی از آنها هنوز پابرجاست. مثل دستمزدهای پایین یا بحث بیمه...

بحث بیمه درست شد و از طرف خانه سینما بیمه تکمیلی به گویندگان داده‌اند که خوب عمل می‌کند.

؟ اما فکر می‌کنم دستمزدها همچنان پایین باشد.

من خیلی وقت است به تلویزیون نرفته‌ام و از دستمزد گوینده‌ها اطلاع ندارم. اما شنیده‌ام که به گوینده رل اول حدود ۲۰۰ تا ۲۵ هزار تومان می‌دهند! الان قیمت ساندویچ سوسیس ۲۰۰ تا ۲۵۰ است. متاسفانه در بحث تعیین دستمزد گویندگان با چرخ زمان حرکت نکردند و هنرمندان فعال در دوبله هم عقب ماندند و جبر زمان و زندگی باعث شده همین دستمزد را بگیرند و کار کنند. وقتی هنرمند، همسر و فرزند و کرایه خانه دارد چه کار کند؟ به هرحال همین وضعیت از هیچ چیز بهتر است. وقتی می‌بیند در پلتفرم‌ها هم کاری ندارد و از او دعوت نمی‌کنند، همین پیشنهادات را می‌پذیرد. باز خدا پدر تلویزیون را بیامرزد که درباره زیاد شدن گویندگان سختگیری نمی‌کند. وقتی نقد می‌کنیم، باید از خوبی تلویزیون هم بگوییم که مدیر دوبلاژ نمی‌گوید حداکثر با ۱۰ گوینده دوبله کن اما پلتفرم‌ها می‌گویند دستمزد گوینده را به من محول کنید. یعنی چه؟ آیا با گوینده گاوبندی دارید یا گوینده را تهدید می‌کنید که همین پول را از من بگیر وگرنه دفعه بعد به یک مدیر دوبلاژِ دیگر می‌گویم که به تو کار ندهد. متاسفانه مثل این‌که چنین مشکلاتی هست اما به خاطر بیماری که داشتم و مرا خانه‌نشین کرد، چندان در جریان جزئیات آن نیستم. البته پیشنهاد کار شد اما دیدم که نمی‌توانم با این شرایط کار کنم. نگفتند با چه کسی کار کن یا با چه کسی کار نکن اما ترجیح دادم اصلا در این جو، نباشم و کار نکنم. درصورتی‌که می‌توانستم همکاران خودم را به کار دعوت کنم اما دیدم فضای کارگیر و گرفت‌هایی دارد، دروغ‌هایی به من می‌گویند و فقط می‌خواهند با یک فیلم، خرشان از پل بگذرد و بگویند داریم با خسروشاهی کار می‌کنیم. حس کردم قضیه این است و چون دیدم می‌خواهند چنین بهره‌برداری انجام دهند، حاضر به همکاری با آقایان نشدم. حتی فیلم و ترجمه آن را برایم فرستادند؛ دیدم، خواندم و چند دقیقه‌ای را هم سینک کردم اما نهایتا دیدم وجدانم قبول نمی‌کند که در این شرایط بیایم و آلت دست فلان پلتفرم شوم. نیت برخی از این پتلفرم‌های تبلیغاتی از این دست است و بعد از انجام یک کار، دیگر با گوینده کاری نخواهند داشت. همین کسانی که فلان فیلم سخت و طولانی را برای دوبله به من پیشنهاد دادند، می‌نالیدند که همین فیلم را دو بار برای دوبله به یک مدیر دوبلاژ و گوینده‌های دیگر سپردیم اما هنوز صدای گوینده نقش اول خوب نیست و از نتیجه کار راضی نیستیم. گفتم برای این‌که ابتدا سراغ صاحب کار نرفتید اما حالا که سراغ آدم‌هایی که این کاره نیستند، رفتید و دو بار هم هزینه کردید، سراغ من آمده و گلایه می‌کنید. گفتم علت این وضع، این است که شما راه را اشتباه رفتید و شناختی از دوبله و صدا ندارید. شما فیلم را نمی‌شناسید و نمی‌دانید این فیلم می‌خواهد کسی را محکوم یا تطهیر کند. این شناخت در انتخاب گوینده هم تاثیر دارد و مشخص می‌کند چه صدایی باید روی آن باشد. اصلا هم منظورم این نیست که حتما این نقش را برای مدیریت دوبلاژ و گویندگی به من بدهند بلکه کار را به اهلش بسپارند. خیلی از هنرپیشه‌های درجه یک هالیوود بودند که ۲۵ میلیون دلار دستمزد بازیگری‌شان بود اما در ایران شناخته نشدند، چون در دوبله صدای مناسب برای‌شان انتخاب نشد و صدایی که انتخاب شد، برای مردم گیرایی نداشت. درنتیجه مردم این هنرپیشه را نشناختند اما درعوض هنرپیشه درجه سه‌ای هم در فیلم‌های هندی بود که مدیر دوبلاژ، یک گوینده خوب برای او انتخاب کرد و باعث شد آن رل ماندگار شود و بازی بازیگر هم جلوه پیدا کند. شما می‌توانید با یک دوبله خوب، فیلم درجه سه را ارتقا دهید و به فیلمی درجه دو تبدیل کنید؛ حالا نمی‌گویم درجه یک اما می‌توانید با یک دوبله بد، یک فیلم درجه یک را تبدیل به یک فیلم درجه پنج و غیرقابل دیدن کنید. متاسفانه چندین سال است که دوبله‌هایی با ایرادات فنی بسیار انجام و وارد بازار نمایش فیلم می‌شود و کسی هم جلودار آنها نیست. انگار می‌خواهند شر دوبله را از سرشان کم کنند. چند سال پیش که تجلیلی از من در جشنواره فیلم فجر شد، رودررو به وزیر وقت ارشاد گفتم زمانی بود که اگر صدای استکان یا نعلبکی در دوبله و صداگذاری کمی ناکوک و ناجور می‌شد، وزارت ارشاد فیلم را با یک نامه تند پس می‌فرستاد که دقت لازم مبذول نشده است اما الان هر ننه‌قمری فیلم دوبله می‌کند و شما بدون این‌که فیلم را ببینید، آن را نمایش می‌دهید. آقای وزیر ارشاد به من می‌خندید اما من حرف‌هایم را گفتم. بعدا آقایان گفتند چرا در مراسم تجلیل‌تان این‌قدر تند حرف زدید. گفتم تند حرف نمی‌زنم، از حرفه‌ام و زحماتی که کشیدم، دفاع می‌کنم. ما نه پولِ زیاد می‌خواهیم و نه جایزه، فقط کافی است به این حرفه احترام بگذارید و قدر آن را بدانید. یک بار هم از ارشاد تماس گرفتند که برای دریافت مدرک دکترا و حکم درجه یک هنری، اطلاعات و مشخصاتی از من بگیرند. گفتم نمی‌خواهم و این مدرک را نمی‌گیرم. خیلی‌ها را هم واسطه کردند اما حاضر نشدم آن را بگیرم و گفتم خیلی برای این کار دیر است. ما کارهای خیلی جالب‌توجهی کردیم که خارجی‌ها متوجه ارزش آن شدند اما شما نشدید. ما فیلم‌هایی را دوبله کردیم که به خارج رفته و با حضور کارگردانش میکس شده است. ما با کارگردان‌های بزرگ هالیوود حرف زدیم، چاره‌جویی کردیم و آنها به ما راه نشان دادند اما آیا شما به عنوان مدیران ارشاد

آلن دلون

ضدقهرمان جذاب

برای مخاطبان ایرانی نام خسرو خسروشاهی و آلن دلون چنان به هم پیوند خورده که تفکیک و یادآوری آنها بدون یکدیگر ممکن نیست. اگرچه آوازه دلون در فرانسه و سینمای جهان به دلیل پرسونای جذاب و ایفای نقش ضدقهرمانان دوست‌داشتنی بود اما شهرت و محبوبیت او در ایران دلیل دیگر و مهمی چون صدای سحرانگیز خسروشاهی هم داشت و بیراه نیست اگر بگوییم حتی ویژگی‌های موردنظر شخصیتی دلون در فیلم‌ها با صدای خسروشاهی ارتقا می‌یافت. ظهر ارغوانی (زیر آفتاب سوزان)، یوزپلنگ، فرمان گمشده، سامورایی و دسته سیسیلی‌ها و دایره سرخ از جمله فیلم‌هایی است که خسروشاهی به جای دلون صحبت کرده است.

کیوآرکد را اسکن کنید

داستین هافمن

شنیدنی و تماشایی

داستین هافمن از جمله بازیگران بزرگ تاریخ سینماست که بازی‌های تماشایی و نقش‌های ماندگاری در کارنامه دارد.

چند تا از بهترین شخصیت‌های خلق‌شده از سوی این بازیگر، با گویندگی جذاب خسروشاهی حال و هوای بهتری هم پیدا کرد. نسخه دوبله مرد بارانی با صداهای خسروشاهی به جای هافمن و منوچهر والی‌زاده به جای تام کروز، حسابی شنیدن دارد و تماشایی است. اگر هافمن برای بازی درخشانش در این فیلم برنده اسکار بهترین بازیگر نقش اول مرد می‌شود، خسروشاهی هم برای گویندگی این نقش شایستگی دریافت جایزه بهترین دوبلور را داشت؛ اگر البته چنین رقابتی هم بود و از کار گویندگان برتر هر سال قدردانی می‌شد. تد کریمر در کریمر علیه کریمر، کارل برنستین در همه مردان رئیس‌جمهور، بیب در دونده ماراتن، لنی بروس در فیلم لنی و دیوید سامنر در سگ‌های پوشالی از جمله نقش‌ها و فیلم‌هایی است که خسروشاهی به جای هافمن حرف زده است.

کیوآرکد را اسکن کنید

استیو مک‌کوئین

سلطان خونسردی

استیو مک‌کوئین از بازیگران محبوب سینمای جهان بود که شمایلی از خونسردی و بی‌خیالی را در فیلم‌هایش ترسیم کرد و اصلا به همین دلیل لقب سلطان خونسردی و بی‌خیالی را به او دادند. بخش زیادی از این خونسردی از توانایی در ماجراجویی، موتورسواری و اتومبیلرانی می‌آمد که در خیلی از فیلم‌هایش به‌خوبی نمود داشت و تماشاگران موقع تماشای این آثار، آدرنالین ترشح کرده، به هیجان می‌آمدند و خوش داشتند فرارهای بزرگ و دیدنی مک‌کوئین را به عنوان ضدقهرمانی جذاب و دوست‌داشتنی ببینند. خسرو خسروشاهی با این‌که دوبلور ثابت استیو مک‌کوئین نبود اما در چند فیلم به جای این بازیگر صحبت و با صدایش به‌خوبی شخصیت یاغی، ماجراجو، خونسرد، بی‌خیال و اهل دردسر مک‌کوئین را برای مخاطب ایرانی ترسیم و تقویت کرد. دانه‌های شن، نوادا اسمیت و فیلم پرستاره آسمانخراش جهنمی از جمله فیلم‌هایی است که خسروشاهی به جای مک‌کوئین صحبت کرده است.

کیوآرکد را اسکن کنید